

سرشماری

به بهانه

سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان ماه ۱۳۸۵

تهیه کننده: غلامرضا هوشمند فیینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اشاره:

طراحی، برنامه ریزی و همچنین مدیریت شهری بر ارکان ضروری و ملازماتی استوار است که در تحقق اهداف خود بدون وجود آنها موفق نخواهد بود. بدون شک یکی از این رکن‌های اساسی که نقش تعیین کننده‌ای در دقت، صحت و توفیق مدیریت‌های کلانشهری دارد، آمار و سرشماری است.

شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری طی سال‌های اخیر همکاری‌های مستمری بر حسب موضوعات و پروژه‌های خود با مرکز آمار ایران داشته است که یکی از نتایج آن انتشار کتاب سه زبانه اطلس کلانشهر تهران بوده است. از سوی دیگر، آبان ماه ۱۳۸۵ سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سراسر کشور انجام گرفته که به همین مناسبت نوشته حاضر در پی می‌آید.

شمارش سکنه یک شهر یا ده. به تعریفی دیگر، سرشماری نوعی آمارگیری است و آمارگیری جمع آوری اطلاعات مربوط به همه یا بعضی از افراد یک جامعه از طریق مصاحبه، مشاهده یا هر طریق ممکن و مناسب دیگر می‌باشد. اگر آمارگیری همه افراد جامعه را شامل شود آن را سرشماری و اگر فقط تعدادی از آنها را در بر گیرد آن را آمارگیری نمونه‌ای می‌نامند. محدوده جغرافیایی و موضوع آمارگیری‌ها و اطلاعاتی که جمع آوری می‌شود همچنین نوع و روش آمارگیری‌ها بر حسب نیاز و امکانات موجود تعیین می‌گردد.

اصولاً "سرشماری نفوس، شمارش فردفرد سکنه یک شهر و یا کشور است. انواع سرشماری عبارتند از:

الف) سرشماری دوژور (حقوقی): در این سرشماری معمولاً

معلوم می‌شود و با سرشماری نفوس و مسکن تعداد افرادی که دارای تحصیلات تخصصی کشاورزی هستند ولی در بخش‌های دیگر فعالیت می‌کنند، به دست می‌آید. برنامه ریزان می‌توانند با مطالعه این نتایج، تدابیر لازم را برای جذب نیروهای مزبور در بخش کشاورزی اتخاذ نمایند. به بیانی دیگر سرشماری‌ها بیان‌کننده تصویر جامعه مورد بررسی، برای برنامه ریزی می‌باشند.

تاریخچه سرشماری

آمارگیری نفوس از زمان‌های بسیار قدیم میان ملل متمدن به صورتی ساده و ابتدایی مرسوم بوده است. آثار و مدارکی که امروزه بر اثر کاوش و تحقیق بدست آمده روشن کرده است که در زمان سومری‌ها و مصریان قدیم مسأله آمار مورد توجه بوده ولی این گونه آمارگیری انگیزه‌هایی نظیر گردآوری مالیات و تعیین تعداد سپاهیان به منظور درگیری با طوایف و دولت‌های دیگر بوده است.

بر اساس شواهد تاریخی موجود حدود ۵۷۰۰ سال پیش سرشماری جمعیتی در کشور بابل انجام شده است. در کشورهای چین و مصر نیز سرشماری در حدود سال‌های ۳۰۰۰ و ۲۰۰۰ ق.م. مسیح صورت گرفته است. افلاطون در کتاب جمهور، از حد مطلوب ۵۰۴۰ نفر جمعیت برای آرمانشهر سخن گفته است. گزارشی از انجام دو سرشماری دو قسمتی در قرون اول و دوم میلادی نیز در دست است. در یونان باستان نیز سرشماری‌های جمعیتی متعددی صورت گرفته است.

سوئد	۱۷۴۹ م.
آمریکا	۱۷۹۰ م.
انگلستان و فرانسه	۱۸۰۱ م.
کانادا	۱۸۷۱ م.
هند	۱۸۷۲ م.
کره جنوبی	۱۹۲۵ م.
ترکیه	۱۹۲۷ م.
ایران	۱۹۵۶ م. (۱۳۳۵ ه. ش.)

شروع سرشماری منظم و ادواری به سبک نوین در جهان به شرح زیر است:

چینی‌ها اولین ملتی بودند که حدود چهار هزار سال قبل، از جداول آمار کشاورزی استفاده کرده‌اند. در چین زمان کنفوسیوس، سرشماری عمومی به عمل آمد که طی آن رئیس خانواده، تعداد اعضای خانوار را در لوحه‌ای مخصوص می‌نوشت و آن را به دولت تسلیم می‌نمود.

افراد بر حسب نقاطی که اغلب در آنجا زیست کرده و می‌خوابیده‌اند سرشماری می‌شوند. این نوع سرشماری‌ها که جمعیت قانونی را به تصویر می‌کشد در کشورهای مثل ایران انجام می‌شود و دقت بسیاری دارد. مزایای دیگر روش دوزور، ایجاد امکان ارائه ساخت و حالات جمعیت واقعی هر محل (شهر، بخش، شهرستان و ...) و همچنین ایجاد امکان تهیه چارچوب برای آمارگیری‌های نمونه‌ای است:

ب) سرشماری دو فاکتو: در این نوع سرشماری که معمولاً در یک روز انجام می‌گیرد، افراد در هر مکان مسکونی که دیده شوند سرشماری می‌شوند. این نوع سرشماری‌ها در کشورهایی مانند ترکیه انجام می‌شود و چون اجرای آن مدت زمان محدودی دارد دارای دقت کمتری است. به هر حال، تعریف سرشماری نفوس در خصوص سرشماری‌های دیگر جامعه مانند صنعت، معدن، کشاورزی و ... نیز مصداق دارد.

شمارش‌های مرتبط با سرشماری یا تمام شماری‌های اولیه، اغلب با اخذ مالیات مرتبط بودند. کلمه «سرشماری» ترجمه کلمه لاتین Censere به معنی ارزش یا مالیات است. خدمت سربازی و عرضه مواد غذایی از دیگر علل انجام سرشماری بودند. یونانیان باستان، مردان بالغ را هنگام جنگ و جمعیت عمومی را هنگامی که عرضه مواد غذایی کم می‌شد، می‌شمردند. امروزه اطلاعات سرشماری محرمانه است و داده‌های مربوط به افراد منتشر نمی‌شود. از این رو در بعضی از کشورها مردم در مورد استفاده از داده‌های سرشماری و حفظ زندگی خصوصی خود نگران هستند.

اهداف سرشماری:

انواع مختلف سرشماری مانند سرشماری کشاورزی، صنعتی، ساختمان، کارگاهی و بالاخره سرشماری نفوس منجر به تولید آمارهای پایه‌ای و اساسی مورد نیاز مدیران جامعه، برنامه ریزان، محققان و نهایتاً مردم می‌گردد. علاوه بر این با استفاده از بعضی اطلاعات جمع آوری شده در سرشماری‌ها، چارچوب‌های آماری تهیه می‌شود. چارچوب‌های آماری وسیله اجرای آمارگیری‌های نمونه‌ای هستند. این نوع آمارگیری که با هزینه کم و دقت مناسب، اطلاعات آماری مفیدی را در اختیار قرار می‌دهد اکثراً بدون داشتن چارچوب آماری ممکن نبوده و یا در صورت امکان نتیجه مطلوب را در بر نخواهد داشت.

یکی دیگر از فواید سرشماری‌ها استفاده از اطلاعات به دست آمده در تهیه مقدمات اجرای سرشماری‌های دیگر است. علاوه بر این در کنار هم قرار دادن نتایج دو یا چند سرشماری، اطلاعات ترکیبی جدیدی را بدست می‌دهد که می‌تواند به حل بسیاری از مسائل کمک نماید. به عنوان مثال با سرشماری کشاورزی سطح زیر کشت و کمبود نیروی انسانی متخصص شاغل در این بخش،

در کتاب‌های آسمانی ادیان مختلف نیز از چندین سرشماری یاد شده که مهم‌ترین آنها سرشماری از قوم یهود برای جمع آوری سپاه است که در تورات نیز بدان اشاره شده و دیگر سرشماری عمومی که به فرمان آگوست، قیصر روم، در سال تولد حضرت مسیح انجام یافته و به این موضوع نیز در انجیل اشاره شده است.

سرشماری در ایران

در ایران باستان برای اخذ مالیات سرانه و جمع آوری سپاه و تعیین نیروی جنگی کشور و نیز به منظور احصاء پیروان آئینهای مختلف، سرشماری نفوس انجام می‌گرفت. سرشماری‌هایی که در ایران به عمل می‌آمد، از نوع مشابه در کشورهای دیگر کامل‌تر و دقیق‌تر بود و در آنها گروه‌های سنی و میزان ثروت افراد نیز مشخص می‌گردید.

در زمان داریوش لغت شاه‌آمار به معنی سرشماری به کار برده می‌شد و برای اولین بار دفاتر مالیات نظامی تدوین گردید. همین طور سربازانی که به دسته‌های بزرگ به نام لک یا کرور تقسیم شده بودند، در موقع لشکرکشی، هر کدام سنگریزه‌ای در مخزن می‌ریختند و در موقع بازگشت، هر یک سنگریزه‌ای از مخزن بر می‌داشتند و با شمارش سنگریزه‌های باقی مانده تعداد تلفات مشخص می‌شد.

در اوایل اسلام که امپراتوری عظیم ایران به تصرف مسلمین درآمد، عثمان حنیف از طرف خلیفه دوم، برای کسب اطلاعات ممیزی اراضی به این سرزمین وارد شد. او پس از مطالعات و بررسی‌های لازم، گزارش تهیه و به عمر تسلیم کرد. او در گزارش آورده بود که در زمان ساسانیان اراضی، محصولات زراعی، اشجار و نفوس، ممیزی جامع و کامل شده‌اند و پیشنهاد کرد که مالیات اراضی ایران به همان صورت عهد ساسانیان وصول گردد. عمر از دریافت این گزارش و آگاهی به روش ممیزی و آمارهای عهد ساسانیان، بسیار خوشحال شد و دستور داد از طرح



در ایران باستان برای اخذ مالیات سرانه و جمع آوری سپاه و تعیین نیروی جنگی کشور و نیز به منظور احصاء پیروان آئینهای مختلف، سرشماری نفوس انجام می‌گرفت. سرشماری‌هایی که در ایران به عمل می‌آمد، از نوع مشابه در کشورهای دیگر کامل‌تر و دقیق‌تر بود و در آنها گروه‌های سنی و میزان ثروت افراد نیز مشخص می‌گردید.

مزبور در بلاد اسلامی استفاده شود. سپس عمر به صلاح دید حضرت علی بن ابیطالب (ع) دستور داد از نفوس و زمین‌های کشاورزی عراق که متعلق به ایران بوده و به دست اعراب افتاده آمارگیری شود.

از زمان صفویه تا اواسط حکومت ناصرالدین شاه، رقم آمار جمعیت را در سفرنامه سیاحانی که به ایران آمده‌اند می‌بینیم. برای مثال شاردن، سیاح فرانسوی، جمعیت ایران را در عهد صفویه بالغ بر ۴۰ میلیون نفر ذکر کرده است. او در ۱۶۱۸م. (۱۰۲۸ ه.ق) از تهران عبور کرده و آن را پر جمعیت دیده است: و یا ژنرال گاردان نماینده دولت فرانسه در ۱۸۰۷ م. نظر داد که جمعیت تهران در زمستان، حدود ۵۰/۰۰۰ نفر است که در تابستان جمع کثیری از آنها به بیلاقات کوهستانی نقل مکان می‌کنند. آنچه که از منابع معتبر اتخاذ گردیده، نخستین ارقام آمار در ۱۲۳۱ ه.ش و در اواخر حکومت میرزا آقاخان نوری بوده است در آن سال، جمعیت، تعداد منازل و ساختمان‌های شهر تهران مورد شمارش قرار گرفت. گویا در ۱۲۳۸ ه.ش. نیز دستورالعملی جامع در مورد سرشماری نفوس و منابع مالی و اقتصادی از سوی وزاری وقت به حکام ولایات صادر گردید تا تعداد جمعیت، خانوار، مسکن و میزان دارایی‌های مردم در کلیه دهات و شهرهای کشور مشخص شود. این دستور به جهت مشکلات فنی انجام نشد تا سرانجام میرزا عبدالغفار نجم الدوله، معلم ریاضی مدرسه دارالفنون، سرشماری از جمعیت شهر تهران را با استفاده از شیوه‌های جدید انجام داد: این سرشماری بر اساس نقشه شهر که قبلاً به وسیله وی تهیه شده بود در مدت ۵۵ روز انجام گردید و اطلاعات آن طی رساله‌ای با عنوان تشخیص نفوس دارالخلافه منتشر شد. بر اساس این سرشماری، جمعیت تهران در ۱۲۴۶ ه.ش. بالغ بر ۱۵۵/۷۳۶ نفر بوده است که از این تعداد ۱۴۷/۲۵۶ نفر را افراد غیرنظامی و ۸/۴۸۰ نفر را افراد نظامی تشکیل می‌داده‌اند. در سرشماری ای که عبدالغفار نجم الدوله انجام داد معلوم شد که حدود ۲۷٪ جمعیت شهر را افراد کمتر از ۱۵ سال تشکیل می‌دهند که با توجه به زاد و ولد بی برنامه آن زمان، از مرگ و میر زیاد مخصوصاً در سنین کودکی و نوجوانی خبر می‌دهد.

نسبت جنسی در جمعیت در جمعیت ۱۶ ساله و بیشتر، حدود ۱/۰۳ بوده است که شمارش بر حسب جنس را در حد قابل قبولی نشان می‌دهد.

در این سرشماری، افراد نظامی که تعداد آنان ۸/۴۸۰ نفر بوده است، در توزیع جمعیت تهران بر حسب سن و جنس و محله به حساب نیامدند که این امر می‌تواند نشانه‌ای از دقت عبدالغفار منجم به تأثیر نادرست احتساب خانوارهای دسته جمعی در محاسبات نسبت‌های جمعیتی باشد. با محسوب داشتن جمعیت نظامی، جمعیت تهران در سرشماری ۱۲۴۶ ه.ش. به ۱۵۵/۷۳۶



نفر رسید. به استناد این سرشماری، جمعاً ۹/۵۸۰ ساختمان مسکونی در تهران وجود داشته است که حدود ۶۹٪ آنها ملکی ۳۱٪ بقیه اجاری بوده‌اند و در هر ساختمان به طور متوسط ۴ و ۱۵ نفر زندگی می‌کرده‌اند.

از نظر ترکیب جغرافیایی در ۱۲۳ سال پیش تنها ۲۶/۶۵٪ جمعیت تهران (۳۹/۲۴۵ نفر)، تهرانی الاصل بوده‌اند و در بین افراد غیربومی، اصفهانی‌ها با ۶/۷۶٪ (۹/۹۵۵ نفر) و آذربایجانی‌ها با ۵/۵۷٪ (۸/۰۲۱ نفر) در مرتبه بالاتر قرار داشته‌اند.

این سرشماری را عبدالغفار به کمک هشت نفر از محصلین مدرسه دارالفنون و بر حسب تقسیمات محله‌ای آن زمان (ارک مبارک، عودلاجان، چال میدان، سنگلج، بازار و محلات خارج شهر) انجام داد.

دومین سرشماری جمعیت شهر تهران در ۱۳۰۱ ه. ق. (۱۲۶۲-۱۲۶۳ ه. ش. و ۱۸۸۴ و ۱۸۸۵ م.) و با مسئولیت میرزا سید شفیق، مدیر لشکر، انجام گرفت. در این احصائیه، تهران به پنج محله ارک، سنگلج، عودلاجان، چال میدان و بازار تقسیم شد.

در ۱۳۱۷ ه. ق. مصادف با ۱۲۷۷ ه. ش. در چهارمین سال دومین سرشماری جمعیت شهر تهران در ۱۳۰۱ ه. ق. (۱۲۶۲-۱۲۶۳ ه. ش. و ۱۸۸۴ و ۱۸۸۵ م.) و با مسئولیت میرزا سید شفیق، مدیر لشکر، انجام گرفت. در این احصائیه، تهران به پنج محله ارک، سنگلج، عودلاجان، چال میدان و بازار تقسیم شد.

در ۱۳۱۷ ه. ق. مصادف با ۱۲۷۷ ه. ش. در چهارمین سال دومین سرشماری جمعیت شهر تهران در ۱۳۰۱ ه. ق. (۱۲۶۲-۱۲۶۳ ه. ش. و ۱۸۸۴ و ۱۸۸۵ م.) و با مسئولیت میرزا سید شفیق، مدیر لشکر، انجام گرفت. در این احصائیه، تهران به پنج محله ارک، سنگلج، عودلاجان، چال میدان و بازار تقسیم شد.

بر اساس این سرشماری تهران به ده ناحیه ارک، دولت، حسن آباد، سنگلج، قنات آباد، محمدیه، قاجاریه، بازار، عودلاجان و شهر نو تقسیم می‌شد. تعداد کل خانه‌های سرشماری شده تهران آن روزگار ۲۱۴۵ باب بوده است. از بین محلات تهران بازار بیشترین جمعیت را داشت (۱۸٪) و پس از آن به ترتیب عودلاجان (۱۷٪)، سنگلج (۱۶٪)، دولت (۱۲٪)، محمدیه و قنات آباد (هر یک ۱۱٪)، قاجاریه (۷٪)، حسن آباد (۵٪)، شهر نو (۲٪)، و ارک (۱٪)، جمعیت بیشتری داشته‌اند. بر اساس این سرشماری، کل جمعیت تهران ۲۱۰/۰۰۰ نفر بوده و با توجه به وسعت تهران در آن هنگام در هر ده هزار متر مربع شهر هشتاد نفر، زندگی می‌کرده‌اند.

در سال ۱۳۱۱ ه. ش. نیز اداره کل احصائیه و سجل احوال کل مملکتی در شهر تهران، سرشماری به عمل آورد. انجام این سرشماری به شکل محله‌ای و در ده محله شهر تهران بود.

در ششم آبان ۱۳۱۸ ه. ش. هیأت دولت تصویب نامه‌ای را به امضاء رساند که بر طبق آن می‌بایستی در دهم اسفند ۱۳۱۸ ه. ش. سرشماری تهران و حومه صورت گیرد. بر اساس این تصویب نامه روز سرشماری تعطیل همگانی بود و اعمال

سرشماری از جمعیت شهر تهران در سال ۱۲۴۶ ه. ش. توسط میرزا عبدالغفار نجم الدوله، معلم ریاضی مدرسه دارالفنون، با استفاده از شیوه‌های جدید انجام یافت.

این سرشماری بر اساس نقشه شهر که قبلاً به وسیله وی تهیه شده بود در مدت ۵۵ روز انجام گردید و اطلاعات آن طی رساله‌ای با عنوان تشخیص نفوس دارالخلافه منتشر شد. بر اساس این سرشماری، جمعیت تهران بالغ بر ۱۵۵/۷۳۶ نفر بوده است.

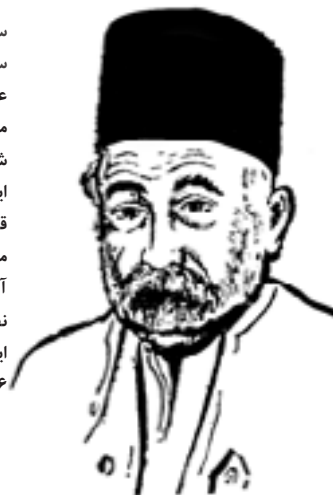
سرشماری از جمعیت شهر تهران در سال ۱۲۴۶ ه. ش. توسط میرزا عبدالغفار نجم الدوله، معلم ریاضی مدرسه دارالفنون، با استفاده از شیوه‌های جدید انجام یافت.

این سرشماری بر اساس نقشه شهر که قبلاً به وسیله وی تهیه شده بود در مدت ۵۵ روز انجام گردید و اطلاعات آن طی رساله‌ای با عنوان تشخیص نفوس دارالخلافه منتشر شد. بر اساس این سرشماری، جمعیت تهران بالغ بر ۱۵۵/۷۳۶ نفر بوده است.

سرشماری از جمعیت شهر تهران در سال ۱۲۴۶ ه. ش. توسط میرزا عبدالغفار نجم الدوله، معلم ریاضی مدرسه دارالفنون، با استفاده از شیوه‌های جدید انجام یافت.

این سرشماری بر اساس نقشه شهر که قبلاً به وسیله وی تهیه شده بود در مدت ۵۵ روز انجام گردید و اطلاعات آن طی رساله‌ای با عنوان تشخیص نفوس دارالخلافه منتشر شد. بر اساس این سرشماری، جمعیت تهران بالغ بر ۱۵۵/۷۳۶ نفر بوده است.

سرشماری از جمعیت شهر تهران در سال ۱۲۴۶ ه. ش. توسط میرزا عبدالغفار نجم الدوله، معلم ریاضی مدرسه دارالفنون، با استفاده از شیوه‌های جدید انجام یافت.





ش. فراهم نمود. طرح مزبور پس از آزمایش در هفت شهر کاشان، آبادان، خرمشهر، ارومیه، سبزوار، دشت میشان و زابل و سرانجام برای تمام کشور اجرا شد. در ۱۳۳۲ ه. ش. هم یک سرشماری کشاورزی در دهات فارس اجرا شد که بعداً در ۱۳۳۹ ه. ش. آمارگیری کشاورزی کشور آن را کامل کرد.

سرشماری ۱۳۳۵

در آبان ماه ۱۳۳۵ ه. ش. اولین سرشماری ایران انجام شد. سرشماری در روز دهم آبان شروع و تا روز ۲۵ آبان در کلیه نقاط کشور به انجام رسید. جمعاً ۲۶/۸۳۶ مأمور سرشمار و سرپرست مأمورین در سرشماری شرکت کرده و مأموریت داشتند که به تمام خانوارهای کشور مراجعه و اطلاعات مورد لزوم را درباره هر فرد خانوار کسب نمایند. اغلب مأمورین سرشمار و سرپرست آنان از معلمین مدارس و یا شاگردان کلاس‌های متوسطه (کلاس‌های یازده و دوازده) بودند.

کل جمعیت ایران در آبان ماه ۱۳۳۵ ه. ش. ۱۸/۹۵۴/۷۰۴ بود که از این عده ۹/۶۴۴/۹۴۴ نفر مرد و ۹/۳۰۹/۷۶۰ نفر زن و یا به عبارت دیگر ۱۰۴ نفر مرد و در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن قرار داشته



سرشماری از پنج صبح تا ساعت بیست و یک همان روز ادامه می‌یافت. در این تصویب نامه پیش بینی شده بود که پیش از اجرای سرشماری، کوچه‌ها و اماکن نام گذاری و شماره گذاری شوند. منطقه بندی این سرشماری مانند موارد قبل بوده است با این تفاوت که مناطق ارک و بازار یکی شده بودند.

بر اساس این سرشماری، جمعیت تهران ۵۴۰/۰۸۷ نفر برآورد شده که ۱/۷۴ برابر سرشماری پیشین بود و این خود از توسعه ناگهانی شهر تهران پیش از شروع جنگ دوم جهانی حکایت دارد. در خرداد ۱۳۱۸ ه. ش. قانون سرشماری عمومی نفوس از تصویب مجلس گذشت و دستور اجرای آن صادر گردید. طبق این قانون، اداره کل آمار و ثبت احوال، طرح سرشماری عمومی را به طور منطقه‌ای در ۳۵ شهر اجرا نمود که متأسفانه به علت پیشامد شهریور ۱۳۲۰ ه. ش. متوقف گردید.

این سرشماری ابتدا به طور آزمایشی در شهر کاشان و حومه آن در روز اول تیرماه ۱۳۱۸ ه. ش. به عمل آمد و بعد از آن در تهران و نیز به تدریج در سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ ه. ش. در سی و پنج شهر مهم ایران، انجام شد.

این سرشماری‌ها در یک روز تعطیل صورت می‌گرفت و پرسشنامه، حاوی اطلاعاتی راجع به سن، مذهب، سواد، تابعیت، شغل، وضع تأهل و غیره بود.

در ۱۳۲۸ ه. ش. اعتبار سرشماری به تصویب مجلس رسید و سازمان برنامه در لایحه برنامه ۷ ساله، اعتبار کافی برای جمع آوری آمار و تهیه و ترسیم نقشه کشور منظور نمود. ولی علی رغم این اقدامات، باز هم فعالیت چشمگیری از نظر آماری کشور مشاهده نشد.

در سال ۱۳۲۹ ه. ش. نیز یک سرشماری نفوس در شهر تهران به عمل آمد. در ۱۳۳۱ ه. ش. با کمک اداره همکاری‌های فنی آمریکا در ایران (اصل چهارترومن) اداره کل آمار عمومی تشکیل گردید: همین اداره، مقدمات طرح سرشماری کل کشور را در ۱۳۳۵ ه.

اسلامی اجرا شد.

قبلاً" طرح مقدماتی سرشماری به طور آزمایشی در مناطق شهری و روستایی شهرستانهای آستانه اشرفیه از استان گیلان، سروان از استان سیستان و بلوچستان و شادگان از استان خوزستان و نیز در چند حوزه نمونه هر یک از استانهای دیگر به مرحله اجرا درآمد.

جمعیت کل کشور در ۱۹۵ شهرستان، ۵۰۰ بخش، ۴۹۶ شهر و ۱۵۸۱ دهستان بالغ بر ۴۹/۴۴۵/۰۱۰ نفر بوده که از این جمعیت ۲۵/۲۸۰/۹۶۱ نفر مرد و ۲۴/۱۶۴/۰۴۵ نفر زن بوده‌اند که در نتیجه نسبت جنسی برابر ۱۰۵ به دست می‌آید.

همچنین باید اشاره کرد به اولین سرشماری عمومی کشاورزی در ۱۳۶۷ ه. ش.، آمارگیری جاری جمعیت در ۱۳۷۰ ه. ش. و دومین سرشماری کشاورزی در ۱۳۷۲ ه. ش. و سرشماری عمومی صنعت و معدن که در دو مرحله در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ ه. ش. در سراسر کشور اجرا شد. همچنین اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ ه. ش. که پنجمین سرشماری عمومی و نفوس مسکن به شکل جدید و دومین سرشماری بعد از انقلاب می‌باشد که از اول با ۲۵ آبان ماه سال مذکور همزمان در ۲۶ استان، ۲۵۲ شهرستان، ۶۸۰ بخش، ۶۱۴ شهر، ۲۲۱۳ دهستان و ۶۸۱۲۵ آبادی دارای سکنه اجرا شد و نتیجه حاصل از این سرشماری که اطلاعات جمعیت شناسی ۶۰/۰۵۵/۴۸۸ نفر جمعیت کشور بوده که در قالب ۱۲/۲۹۸/۲۳۵ خانوار زندگی می‌کردند، فراهم آمد. همچنین در پائیز ۱۳۷۲ ه. ش. سومین سرشماری عمومی کشاورزی، در سراسر کشور و به طور همزمان به اجرا درآمد و سرشماری کارگاهی نیز در ۱۳۸۱ ه. ش. انجام شد.

کتاب شناسی

ابن خلدون، عبد الرحمان، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶؛ تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم، ترجمه کریم کشاورز، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹؛ درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه دکتر حسین محمودیان، دانشگاه تهران پائیز ۱۳۸۱؛ دنت دانیل، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمد علی موحد، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۸؛ سیاحت نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۹؛ نشریات مرکز آمار ایران؛ هوشمند فینی، غلامرضا، مروری بر تاریخ سرشماریها و آمارگیریها در ایران و جهان، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵.



است، تراکم جمعیت برای کل ایران نزدیک به ۱۲ نفر در هر کیلومتر مربع و تعداد جمعیت شهر نشین ۵/۹۵۳/۵۶۳ نفر و جمعیت ده نشین ۱۳/۰۰۱/۱۴۱ نفر بوده است.

سرشماری ۱۳۴۵

طرح مقدماتی سرشماری ۱۳۴۵ ه. ش. در شهرستانهای مراغه و سبزواران (جیرفت) اجرا شد. در این سرشماری که با روش دوژور انجام گرفت جمعا ۱۲/۸۸۵ نفر مامور سرشماری و سرپرست واحدهای سرشماری شرکت داشتند. علت تقلیل تعداد مأمورین، اتخاذ روش مناسب و ازدیاد مدت سرشماری به ۲۰ روز بود. در آن زمان کشور ایران ۲۵/۲۲۶/۳۸۳ نفر و ۵/۱۶۷/۱۹۲ انوار بوده است.

سرشماری ۱۳۵۵

این سرشماری که به نام سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ ه. ش. نام گذاری شده بود از ۸-۲۸ آبان ۱۳۵۵ ل. ش. در شانزده هزار حوزه سکونت جمعیت ساکن کشور (شهری و روستایی) و ۶۰۰ حوز" ویژه جمعیتهای غیر ساکن (جمعیتهای متحرک و ایلات و عشایر) با کمک بالغ بر سی هزارنفر از مسئولان و مأموران سراسر کشور با کاربرد روش دوژور انجام گرفت؛ بر طبق این سرشماری، کشور ایران در ۱۳۵۵ ه. ش.، ۶/۷۱۱/۶۳۸ خانوار و ۳۳/۷۰۸/۷۴۴ نفر جمعیت داشته که ۱۵/۸۵۴/۶۸۰ نفر آن ساکن نقاط شهری (تعداد شهرهای ایران طبق تعریف مرکز آمار ایران در زمان سرشماری ۳۷۳ بوده است) و ۱۷/۸۵۴/۰۶۴ نفر آن ساکن نقاط روستایی بوده‌اند.

سرشماری بعد از انقلاب

عملیات اجرایی چهارمین سرشماری عمومی نفوس و مسکن از تاریخ ۱۶-۳۰ مهرماه ۱۳۶۵ ه. ش. در سراسر کشور با همکاری سازمان برنامه و بودجه استانها، مراکز تربیت معلم، سایر سازمانها و مؤسسات دولتی و همچنین نهادهای انقلاب

